



را به سمت انگیزش درونی تغییر دهند. بدیهی است که تجدیدنظر در این گونه باورها به سرعت انجام نمی‌پذیرد. بسیاری از روش‌های تشویق و تنبیه جاری و ساری در مدارس، صرفاً توجه به انگیزش بیرونی است و در همین حد هم باقی می‌مانند.

۳۶ در رویکردهای شناختی و انسان‌گرایی، انگیزش درونی بیشتر از انگیزش درونی مورد تأکید قرار می‌گیرد. یکی از راهکارهای مناسب مدارس و معلمان برای تغییر جهت از انگیزش بیرونی به انگیزش درونی، رجوع به مبانی رویکردهای اشاره شده است. با طرح نظریه‌های یادگیری سازنده‌گرایی، انگیزش درونی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. در این رویکرد، بر نقش فعال یادگیرنده در درک و فهم و ساختن دانش تأکید می‌شود. پیروان نظریه‌ی سازنده‌گرایی بیش از دیگران بر فعالیت یادگیرندگان در فرایند یادگیری تأکید می‌ورزند و خود آنان را عامل اصلی ادراک امور و کشف و ساختن دانش می‌دانند. برای معلم هم نقش هدایتگری فعالیت‌های یادگیرنده و آسان‌سازی یادگیری را قائل‌اند.

۳۷ یکی دیگر از دلایل غفلت از مبانی، رواج الگوهای تقلیدی در مدارس است. بسیاری از ابزارها و روش‌های انگیزشی امروزی که در مدارس رایج شده‌اند، حاصل تقلیدهای کلیشه‌ای و بدون درک درست مبانی هستند. هنوز هم تقلید و کپی‌برداری در برنامه‌های آموزشی و از جمله در روش‌های انگیزشی، موضوعی گسترده در مدارس ماست. این که یک روش تشویقی در مدرسه‌ای جواب داده است، الزاماً نباید در مدرسه‌ی ما هم جواب بدهد. در اجرای روش‌های انگیزشی، از جمله تشویق و تنبیه، توجه به مقتضیات فرهنگی و شرایط و ویژگی‌های محیطی و محلی، از شروط اصلی است.

۳۸ تطبیق روش‌های رایج انگیزشی در مدارس با آموزه‌های دینی، نکته‌های بسیار تأمل‌برانگیزی در پی دارد. در حالی که این آموزه‌ها، انگیزش درونی را بیشتر مورد تأیید قرار می‌دهند، به نظر می‌رسد مدارس به شکل دیگری عمل می‌کنند. ارزیابی مجموع وضعیت مدارس در زمینه‌ی انگیزش، ضرورت‌های بیشتری را برای

بازنگری به اثبات می‌رساند. آموزه‌های دینی ما، بیشتر بر درونی شدن و عمق بخشیدن به باورهای انسان تأکید می‌کنند، در حالی که تأکید خیلی از شیوه‌های انگیزشی رایج در مدارس، نگاه داشتن دانش‌آموزان در سطح و «تنزل از دل به دست» است.

۳۹ همانند همه‌ی موضوعات انسانی، در انگیزش نیز تفاوت‌های فردی وجود دارد. این تفاوت‌ها را می‌توان از فردی به فرد دیگر، از مدرسه‌ای به مدرسه‌ی دیگر و از شهری به شهر دیگر مورد توجه قرار داد. در این جا هم آفت‌های الگوهای تقلیدی بیشتر به چشم می‌آیند. لازم است انگیزش متناسب با ویژگی‌های فرد یا افراد باشد تا اثربخش و مفید واقع شود.

۴۰ جهت‌گیری به سمت انگیزش درونی، به معنای کنار گذاشتن انگیزش بیرونی نیست. اگر از انگیزش درونی هم به اندازه و به‌جا استفاده شود، مؤثر خواهد بود. در موارد زیادی کاربرد انگیزش بیرونی اجتناب‌ناپذیر است، اما در مورد آن دو نکته حائز اهمیت است:

اول، از اثرات انگیزش بیرونی هم می‌توان در جهت انگیزش درونی استفاده کرد. حتی وقتی به دانش‌آموز جایزه‌ای می‌دهید، یادآوری کنید که این نتیجه‌ی تلاش و شایستگی اوست.

دوم، انگیزش درونی باید محور برنامه‌ها و روش‌های انگیزشی باشد. اگر مهم آن است که دانش‌آموزان به خودسامانی و خودکنترلی برسند، این هدف از مسیر انگیزش درونی تحقق می‌یابد. ✓

انگیزش، تشویق و تنبیه، و تربیت دینی

۴۱ در تعریف تربیت بر مبنای دین، همیشه بر غنای درون و رشد استعدادها تأکید می‌شود. هدف تربیت دینی، برانگیختن شوق و رغبت به خداپرستی و بی‌بردن به کارکرد لذت‌بخش دین است. این نکته‌ای است که باید شرط اصلی تمامی فعالیت‌های تشویقی-تنبیهی در

مدارس باشد.

۴۲ راه تربیت انسان از خود او می‌گذرد و اگر انسان، خود این راه را ببندد، تلاش‌های بیرونی به نتیجه نمی‌رسند. مهم آن است که انگیزه و میل به اصلاح را در تربیت‌شونده ایجاد کرد. در این نوع تربیت، تأکید بر فعال کردن خود تربیت‌شونده است. تکیه بر خودجوشی، خودانگیختگی، خودیابی و خودرهبری اوست، تا از این طریق به مقصود نهایی که همان کمال مطلوب است، دست یابد.

۴۳ عوامل تشویق باید از درون دانش‌آموز الهام گیرند. دانشمندان اسلامی به معلمان سفارش کرده‌اند که عوامل تشویق را در درون و باطن شاگردان بیدار سازند و آنان را به ارزش‌های مهم علم و معرفت رهنمون شوند. در تربیت دینی، اگرچه انگیزه‌های بیرونی هم مورد توجه هستند، اما تشویق عمدتاً مبتنی بر انگیزش درونی است. نظام اعتقادات و باورهای هر فرد هم باید درونی باشد. به این ترتیب، اسلام به غنای درون بسیار اهمیت می‌دهد.

۴۴ **امام حسین (ع)** در دعای عرفه می‌فرماید: «پروردگارا، به من غنای نفس عطا کن.» تفسیر این جمله آن است که: «خدایا حالتی به من بده که جز تو به دیگری احساس نیاز نکنم... به مقام، ثروت، دنیا و دیگران نیازمند نباشم.»

اگر انسان غنای نفس پیدا کند، به آرامش می‌رسد این نشانه‌ی سلامت روان است. غنای درون، نشانه‌ی تربیت مطلوب است.

۴۵ هر انسانی بنا بر فطرت خود به کمال تمایل دارد و تشویق در این جهت، او را بیشتر برمی‌انگیزد و دلگرم می‌کند. امیرمؤمنان **علی (ع)**، به **مالک اشتر** سفارش می‌کند: «آنان را به نیکویی یاد کن و پیوسته تشویقشان نما و کارهای مهمی را که انجام داده‌اند، برشمار.» خداوند متعال پیامبر گرامی‌اش را فرمان می‌دهد که مؤمنان را به نبرد تشویق و از پایداری آنان قدردانی کند: «ای پیامبر، مؤمنان را به کارزار تشویق کن که اگر از شما بیست تن شکستیا باشند، بر دویست تن چیره شوند و...» [انفال / ۶۶-۶۵].

تشویق و قدردانی موجب می‌شود که انسان در انجام وظایف خود بیش از پیش کوشا شود و میل به کمال در او فزونی گیرد. از حضرت علی (ع) نقل شده است: «هر که مشتاق باشد، اول شب به راه می‌افتد.» هم‌چنین از ایشان است: «نفس‌های خود را به سوی نعمت بهشت مشتاق کنید.»

۴۶ تشویق به عمل نیک شخص تعلق می‌گیرد و برای آن است که نیکوکار به نیکی تمایل بیشتری یابد. شخصی که تشویق می‌شود، باید بداند آنچه ارزشمند است، عمل و صفت اوست. **امام رضا (ع)** می‌فرماید: «همانا خداوند وسعت‌دهنده، کریم و ضامن عمل ثواب است.»

۴۷ تشویق باید به اندازه باشد و به‌هیچ‌وجه از حد تجاوز نکند، زیرا در این صورت موجب غرور و تباهی شخص می‌شود. البته تشویق نباید کمتر از اندازه هم باشد، زیرا به نتیجه‌ی مطلوب نخواهد رسید. علی (ع) فرموده است: «ستایش بیش از استحقاق، تملق است و کمتر از استحقاق، درماندگی یا رشک بردن است.»

۴۸ اساس تربیت، رحمت و گذشت است. اما انسان پیوسته در معرض اشتباه و خطا قرار دارد و اگر به خود نیاید و بیدار نشود، از انسانیت فاصله می‌گیرد. منظور از تنبیه، به کار بردن روش‌هایی است برای بیدار کردن و هوشیار ساختن انسان. به این ترتیب، هدف آن اصلاح فرد و جامعه است. تنبیه به مفهوم درست آن، جلوه‌ای است از دوستی و رحمت برای اصلاح و تربیت. از رسول خدا (ص) روایت شده است: «رحمت من بر غضبم سبقت دارد.»

گاهی آنان که با مدارا و ملایمت اصلاح نمی‌شوند، با تنبیه مناسب اصلاح می‌شوند. علی (ع) فرموده است: «کسی که با خوش‌رفتاری اصلاح نشود، با خوب کیفر کردن اصلاح می‌شود.»

۴۹ تنبیه برای ادب شدن و بیداری است و باید کاملاً متناسب با شخص و عملی که از او سر زده است، انتخاب شود. از مراتبی مانند چشم‌پوشی، اخم، روی تَرش کردن، روی برگرداندن، ترک کردن، قهر کردن، به کنایه



سخنی گفتن، تذکر، سخن تند و مانند این‌ها، می‌توان سود جست. این نکته‌ی ظریفی است که اگر مرتبه‌ای لطیف‌تر نتیجه می‌دهد، استفاده از مراتب شدیدتر جایز نیست. تنبیه به هیچ وجه نباید برای ارضای خود یا انتقام صورت بگیرد.

۵۰ شخصی که تنبیه می‌شود، باید نسبت به موضوع توجیه باشد و بداند که چرا تنبیه می‌شود. اگر تنبیه از تأیید درونی فرد برخوردار باشد، تأثیر بیدارکننده و بازدارنده‌ی بیشتری خواهد داشت. تنها تنبیه سنجیده و حساب شده که برخاسته از محبت و خیرخواهی است، می‌تواند اثرگذار باشد. نقل شده است، کسی نزد امام **کاظم(ع)** از رفتار فرزند خود شکایت کرد. حضرت به آن شخص فرمود: «فرزندت را تنبیه بدنی مکن، با او قهر کن؛ ولی قهرت طولانی نباشد.»

تشویق و تنبیه، انگیزش و معلم

۵۱ تیپ شخصیتی معلم و سبک او در اداره‌ی کلاس، در جریان انگیزش بسیار تأثیرگذار است. یکی از نقش‌های معلم در کلاس، رهبری است. هر زمان یک گروه تشکیل می‌شود، وجود رهبر ضروری است. در جمع کلاس، رهبری به‌عهده‌ی معلم است. سبک‌های گوناگونی برای رهبری کلاس وجود دارد:

- **سبک اقتدار گرایانه:** در این سبک معلم هم به روابط انسانی میان اعضای گروه احترام می‌گذارد و هم به ضوابط قانونی متکی است.
 - **سبک مستبدانه:** کلاس با روش تحکم‌آمیز اداره می‌شود. تنها معلم است که بر کل کلاس حکومت می‌کند و دانش‌آموزان حق ابراز وجود ندارند.
 - **سبک آزادگذار:** قاعده و ضابطه‌ی خاصی بر رفتار دانش‌آموزان حاکم نیست و هر کس به هر طریقی که دلش بخواهد رفتار می‌کند.
- عده‌ای معتقدند بهترین سبک اداره‌ی کلاس، «اقتدار گرایانه» است. البته تعیین سبک اداره‌ی کلاس

به موقعیت‌ها و شرایط نیز بستگی دارد و همه‌ی معلمان لزوماً نمی‌توانند از یک سبک واحد استفاده کنند. گاهی هم سبک معلم در اداره‌ی کلاس، ترکیبی از سبک‌های متفاوت است. در هر حال، سبک اداره‌ی کلاس نقش تعیین‌کننده‌ای در روش‌های انگیزشی معلم دارد و بر همین اساس است که شیوه‌های تشویقی یا تنبیهی معلم شکل می‌گیرد.

۵۲ در روش‌های آموزشی «معلم‌محور» که در آن‌ها، فعالیت‌های آموزش و یادگیری عمدتاً به وسیله‌ی معلم هدایت می‌شوند، همه‌چیز به معلم متکی است. در مقابل، معلمانی که با روش‌های «یادگیرنده‌محور» آموزش می‌دهند، چندان نگران مشکلات کلاس‌داری و حفظ انضباط نیستند. اگرچه در هر دو نوع روش آموزشی رعایت اصول کلاس‌داری و وضع معیارهایی برای رفتارهای دانش‌آموزان لازم است، اما در روش‌های یادگیرنده‌محور شرایط انگیزشی مساعدتر است.

۵۳ با وجود تأکید بر انگیزش درونی، آشنایی معلم با برخی از مفاهیم و روش‌های رفتارگرایی می‌تواند بسیار مفید و کارگشا باشد.

اگر معلم قصد دارد رفتارهای مطلوب موجود را تقویت کند یا نیرومندی آن‌ها را افزایش دهد، بهتر است با مفاهیم تقویت مثبت و تقویت منفی آشنا باشد. معلمی که به تکالیف دانش‌آموزان ستاره می‌دهد، از روش تقویت مثبت استفاده می‌کند و معلمی که دانش‌آموزان را با نوشتن حجم مشخصی از تکالیف، از تکالیف دیگر معاف می‌سازد، روش تقویت منفی را مورد استفاده قرار داده است؛ اگرچه نتیجه‌ی اعمال هر دو روش، افزایش نیرومندی رفتار است.

۵۴ وقتی روش‌های انگیزشی مبتنی بر رفتارگرایی در مدارس رواج دارند، انتظار می‌رود که مجریان آن‌ها حداقل با اصول کار آشنا باشند. یکی از این اصول، روش‌های حفظ رفتارهای مطلوب است. وقتی به دانش‌آموزان کارت جایزه یا ستاره می‌دهیم، در وهله‌ی اول هدف، تقویت رفتار است. اما در مرحله‌ی بعد این هدف باید به حفظ رفتار تغییر یابد. دانش‌آموزی را عادت می‌دهیم که برای هر نمره‌ی عالی،

